

روکی میز تحریریه



تسلیم دو ضایعه بزرگ

این روزها که شماره تیرماه را آماده می‌کنیم، سوگوار دو ضایعه بزرگیم. جامعه فرهنگی ما دو عزیز خود را به فاصله یکی دو روز از دست داد. یکی شاعر آل الله و بسیجی دردآشنا محمدرضا آقاسی و دیگری حاج رحیم مودن‌زاده صاحب آن حنجره آسمانی، که هنوز اذان سبزش مناره‌ها را شکوه خاصی می‌بخشد. یادگار جاودانه این دو هنرمند در این گنبد دوار، صدای سخن عشق است، نام و یادشان نیز جاودانه باد.



از آفات ماهنامه بودن نشریه ...

ماهنامه بودن نشریه، هزارتا خوبی داشته باشد، این عیب بزرگ را دارد که «به‌روز» نیست و شمای نویسنده نمی‌توانی با ماجراها و اتفاقاتی که ذهن مردم و مخاطبات را مشغول به خود کرده، همراه باشی و درباره آن‌ها چیزی بنویسی؛ چون تا موعد چاپ نشریه می‌رسد آن خبر و اتفاق، جنابیت خود را از دست داده است و دیگر خریداری ندارد (یکی از دلایلی که بعضی نویسندگان با چند مجله همکاری می‌کنند و قلم می‌زنند فقط همین است!) در دنیای ما که عصر انفجار اطلاعات نام‌گذاری شده و روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و حتی اینترنت هم گاهی از اتفاقات، عقب می‌افتند (!) ماهنامه چاپ کردن، خود دغدغه بزرگی است. با این وجود ماهنامه دنیای خاص خود را دارد. ماهنامه، نامه تامل ما بر روی واقعیت‌ها و حقایقی است که هر روز به سادگی از کنار آن می‌گذریم. ...

نمی‌خواهم مقاله جدی بنویسم، عرضم چیز دیگری است. خوب است بدانید که داریم صفحه آخر شماره تیرماه (۵۹) را می‌بندیم و هنوز شماره خردادماه (۵۸) از چاپ خارج نشده است! در حالی که در هیچ یک از این دو شماره نتوانستیم درباره نمایشگاه مطبوعات که ۱۳۰۳۳ اردی‌بهشت ماه برگزار شد، مطلبی بنویسیم ... راستی خواندن خبر نمایشگاه یا گذشت دوماه از برگزاری آن، برای شما جذابیتی دارد؟ حتی اگر نشریه خودمان، دیدار آشنا، غرفه برتر نمایشگاه معرفی شده باشد ...؟! با همه این تفصیل از باب تامل بر روی ناهنجاری‌های اجتماعی موجود در نمایشگاه، گزارشی در این شماره تقدیم‌تان کرده‌ایم.

هستم بدرقه راه کن...

بعد از چاپ شماره اردی‌بهشت (۵۷)، دست نیاز به سوی بسیاری از دوستان و فرهیختگان دراز کردیم و از آنان خواستیم نشریه را نقد کنند و عیب‌ها و قوت‌های آن را برآیند بنویسند. بعضی از آن دوستان لطف‌شان را در حق ما کامل کردند و با حضور در دفتر نشریه از هر جهت ما را شرمند عنايات و مهربانی‌های خود کردند. عده‌ای هم ... حس می‌زنیم هنوز نشریه به دست شان نرسیده است.

در این میان، کسانی بودند که از سرخبرخواهی یا به هر دلیل دیگر فقط ضعف‌های ما را متذکر شدند. نظر آنان را هم به دیده لطفه ارج می‌نهیم و به آنان هم دست مریزاد می‌گوییم. شما مخاطبان و مشترکان عزیز هم به این جمع صمیمی بپیوندید و نظراتی خود را برای ما ارسال کنید. مطمئناً کارساز خواهد بود.

مشترک نشریه، مشترک دغدغه‌ها و آرزوهای نشریه

شعار خیلی از نشریات این است که حیات یک نشریه به مشترکان آن است. ما هم همین عقیده را داریم؛ اما تلاشمان فقط در جذب مشترک نیست. دوست داریم مشترک نشریه با ما درد مشترک داشته باشد، دغدغه‌های ما را بداند و در رفع مشکلات با ما همراهی و همدلی کند. حداقل همدلی شما خواننده عزیز، نوشتن نامه است. در شماره اردی‌بهشت (۵۷) هم برایتان نوشتیم که می‌خواهیم صفحات مختلفی ویژه جوانان و دغدغه‌های آنان ترتیب دهیم و به موضوعاتی مثل: جوان و هویت، جوان ودوستی، جوان و ارزش‌ها، جوان و تقلید از الگوها، جوان و خودآرایی و ... توجه کنیم.

اما می‌خواهیم مطالبی که مطرح می‌کنیم ملموس و محسوس باشد از خود شما باشد به همین خاطر منتظر نامه‌های شما می‌نشینیم. برویچه‌های صفحه «جوان» خیلی فعالند؛ فقط منتظر سوزها و نکته‌های شما نشسته‌اند...

تحریریه خوانندگان به راه افتاد

توضیح می‌خواهد؟! فکر نمی‌کنم! توضیح اضافی این که اگر مطلبی دارید برای نوشتن، درد دلی دارید برای گفتن و ... برای ما بفرستید. تحریریه خوانندگان یعنی همین.

دیگر سلام شما بی جواب نمی‌ماند

از این به بعد قرار گذاشته‌ایم هیچ نامه‌ای را بی‌جواب نگذاریم به قول معروف: دیرو زود دارد؛ سوخت و سوز ندارد.

به زبان دیگر، سلام شما بی‌جواب نمی‌ماند.

صفحات مشاوره، نقد، بحث‌های اجتماعی را تحویل بگیرید

از این به بعد چند دوست جدید دارید؛ دوستی که می‌خواهد دردها و دغدغه‌های شما را بشنود، مطرح کند و راهی برای آن پیدا کند؛ اما تا مشکلات شما را نداند چه بگوید؟! البته خیلی راحت می‌توان از موضوعات کلیشه‌ای و صفحه پرکن گفت و نوشت؛ اما همان‌طور که قبلاً نوشتیم، می‌خواهیم از کلی‌گویی پرهیز کنیم و حرفی بزنیم که نتیجه و انعکاس آن را به صورت محسوس ببینیم.

عرض ارادت ما به عاشقان اهل بیت علیهم السلام

دومین ویژه‌نامه سال ۸۴ را در این شماره می‌بینید و می‌خوانید. شانزده صفحه از ۴۸ صفحه نشریه را به موضوع زندگانی سراسر فیض و رحمت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و شهادت جانگذا ایشان اختصاص داده‌ایم تا اندکی از وظیفه خود را ادا کرده باشیم؛ البته نمی‌خواستیم صفحات را با متن ادبی و جملات احساسی پر کنیم، تلاش‌مان این بود که ضمن بیان جلوه‌هایی از زندگی آن وجود ملکوتی، میزان شناخت جامعه از تعالیم الهی و رفتار انسانی اهل بیت علیهم السلام به ویژه آن حضرت را محک بزنیم. دعا کنید این کار ناچیز و ناقابل، قابلیت پاید که رضایت فرزندش، حضرت ولی عصر، جل الله تعالی فرجه الشریف را جلب کند؛ همین قدر ما را کافی ست.

به امید دیدار
مدیرتحریریه

